

## ارتباط سیامک زعیم با تئوری ضدانقلابی سه جهان بر مبنای اسناد داخلی اتحادیه کمونیست‌های ایران!

سند درونی و تاریخی نظریه اقلیت اتحادیه کمونیست‌های ایران در فرمت پی‌دی‌اف با مقدمه‌ای از برهان عظیمی... باشد که با انتشار این سند بخشی از حقایق درونی و علل به انحراف کشیده شدن یکی از سازمان‌های جنبش کمونیستی در ابتدای انقلاب ۱۳۵۷ برای جویندگان و کوشندگان نسل نوین و جوان جنبش کمونیستی ایران روشن گردد.

این سند درونی و تاریخی نظریه اقلیت اتحادیه کمونیست‌های ایران هست که بر اختلافات درونی در مورد تأثیر تئوری سه جهان در خط و مشی اکثریت غالب بر آن سازمان به‌ویژه در برخورد به قدرت سیاسی و بافت طبقاتی حکومت جمهوری اسلامی که در دی‌ماه ۱۳۵۹ برای اولین بار منتشر شد.

و تاکنون هیچ‌یک از جریاناتی که خود را «ادامه‌دهنده‌ی» اتحادیه کمونیست‌های ایران می‌دانند با وجود در اختیار داشتن این سند آن را در دسترس جنبش کمونیستی ایران برای کشف حقیقت تاریخی در مورد چرایی به انحراف کشیده شدن خط غالب بر اتحادیه کمونیست‌های ایران قرار نداده‌اند.

باشد که با انتشار این سند بخشی از حقایق درونی و علل به انحراف کشیده شدن یکی از سازمان‌های جنبش کمونیستی در ابتدای انقلاب ۱۳۵۷ برای جویندگان و کوشندگان نسل نوین و جوان جنبش کمونیستی ایران روشن گردد.

این جزوه در تاریخ ۹ ژوئیه ۲۰۱۶ توسط رفیقی که خود در نوشتن این سند نقش تعیین‌کننده داشت و از مسئولین اتحادیه کمونیست‌های ایران در اوایل تشکیل آن سازمان تا سال‌های ابتدایی انقلاب ۱۳۷۵ بود برای من ارسال شد و من به‌عنوان وظیفه کمونیستی آن را بدون درنگ برای رفقا از طریق ایمیل ارسال می‌کنم.

برهان عظیمی

۲۱ تیرماه ۱۳۹۵ مصادف با ۱۱ ژوئیه ۲۰۱۶

نکته‌ی توضیحی: این سند با توضیحاتی که نگارنده با آن افزوده است در سایت اشتراک در لینک زیر در ژوئیه ۲۰۱۶ منتشر شد.

<https://eshtrak.files.wordpress.com/2016/07/about-etehadieh-komunistha-4.pdf>

در سند بالا بعد از مقدمه ۵۵ صفحه‌ای در صفحه ۵ و ۶ که تحت تیتر یا عنوان "اختلافات ما (پیرامون مشی آپورتونیستی اتحادیه کمونیست‌های ایران)" توسط بخشی از مسئولین، کادرها، اعضا و هواداران سابق اتحادیه کمونیست‌های ایران نوشته شده است. منظور از آن فرد که به‌ظاهر موضع تاکتیکی در مورد تئوری ترد سه جهان گرفت و اعلام نموده است که "آن‌ها مدافع واقعی تئوری سه جهان نبودند و نیستند. مدافع واقعی این تئوری من هستم" کسی به‌جز سیامک زعیم که حزب کمونیست ایران (مارکسیست-لنینیست-مائوئیست) او را به اسطوره‌ی سریداران تبدیل کرده است نیست. رفیق سیامک زعیم حتی با برپایی سریداران از تئوری سه جهان طرفداری می‌کرد. تاریخ نیز نشان داد که او نمی‌توانست یک خط صحیح کمونیستی غالب بر حرکت نظامی و به‌ویژه سیاسی سریداران را نمایندگی کند. گسست از یک تئوری ضدانقلابی و ارتجاعی همچون سه جهان به یک کار عمیق ذهنی در نقد آن نیاز دارد و سیامک زعیم هیچ‌گاه خطی و جمله‌ای در نقد آن

تئوری ارائه نداد. وانگهی مگر در طول تاریخ کم بودند افراد و گروههایی که با مبارزه مسلحانه دست زدند ولی بر حرکتشان تئوری انقلابی غالب نبود! مگر خشی از حزب توده خائن ایران در سالهای دهه ۵۰ به مبارزه مسلحانه روی نیاورد؟ مگر تأثیر سیامک زعیم بر خط ساسی راست روانه اتحادیه کم بود؟! مگر سیامک زعیم با طرفداری اش از تئوری سه جهان تأثیر بی چون و چرای خویش را در طرفداری از "امام ضد امپریالیسم" و جریان "گروگان گیری جاسوسان آمریکایی سفارت امریکا" در ابتدای انقلاب، پشتیبانی اتحادیه از "جنگ میهنی ضد امپریالیست" با حکومت صدام حسین، و جمع کردن تشکیلات نظامی "پیشمرگان زحمتکشان کردستان" به عنوان بازوی نظامی اتحادیه کمونیست ها در کردستان، نگذاشت و به عنوان فردی که اساس خط سیاسی و تحلیل راست روانه اتحادیه را تبیین می کرد، آن سازمان را به خط راست روانه ضدانقلابی هدایت نکرد؟! مگر چنین تأثیری در پرتو اعتقادش به تئوری سه جهان نبود؟! بله بود.

قیام آمل با وجود جان فشانی رفقای سرداران مانند کمون پاریس یک حرکت انقلابی بود اما محدودیت خط سیاسی و نظری داشت، به ویژه که تئوریسین اصلی اش هنوز از تئوری ۳ جهان گسست نکرده بود. رهبران کنونی محفلی که خود "حزب" م ل م ایران و مدعی ادامه دهندگان "اتحادیه کمونیست های ایران" هستند، توجیهشان این است که سیامک زعیم با برپایی قیام آمل از تئوری سه جهان برید و گسست کرد. اما این نظریه توجیههایی است که آن ها برای دفاع یک جانبه و غیرنقدانه شان نه تنها از آن قیام، بلکه همچنین عدم گسست از نظرات غیرعلمی و ماتریالیسم متافیزیکی سیامک زعیم با پیچاندن نظرات او در تبیین پایه طبقاتی خمینی و هم نظرانش به عنوان خرده بورژوازی سنتی ایران که بقول این محفل مدعی "حزب" یک باره و یک شبه با به قدرت رسیدن ارتجاعی شد (توگویی که قبلاً این طبقه مشروع طلب و منسوخ تاریخی از زمان انقلاب مشروطه، مترقی و قابل دفاع بود!) دارند. و بنابراین نظرشان از پایه علمی با رویکرد علمی ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی برای کشف حقیقت درباره اینکه حلقه اصلی تشکیل دهنده جمهوری اسلامی نماینده کدام طبقات ارتجاعی بود و همچنین قیام سرداران و محدودیت سیاسی (خط سیاسی) غالب بر آن، برخوردار نیست. برای همین تاکنون از نقد علمی آن موارد طفره رفته اند.

برهان عظیمی

۲۱ تیرماه ۱۳۹۵ مصادف با ۱۱ ژوئیه ۲۰۱۶

\*\*\*\*\*

نگارنده این متن با کلیه تجزیه و تحلیل اقلیت اتحادیه کمونیست های ایران که در سال ۱۳۵۹ از آن جدا شد به ویژه با تحلیلشان در مورد اینکه خمینی و گروه حلقه زده به دور او کدام طبقات را نمایندگی می کند موافق نیست.

نگارنده در طول سال های گذشته و همچنین در نوشته اخیر که در باره درگذشت کا ابراهیم است نظر خود را با گسست قطعی از آنچه اتحادیه کمونیست های ایران تحت رهبری سیامک زعیم (به عنوان فردی که موافق تئوری سه جهان بود) در مورد پایه طبقاتی خمینی و هم نظرانش نمایندگی می کرد، به تفصیل نوشته است.

**این پاراگراف آخر در تاریخ ۱ تیر ۱۳۹۸ توسط نگارنده نوشته شده است.**